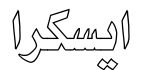


قطعهنامه در باره
تضمین حق مردم
در تعیین نظام
حکومتی آینده
ایران
و
منشور
آزادیهای سیاسی
صفحه ۳



سرمدبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گиро: ۲-۴۶۷۸۴۷۱

رادیو انترناسیونال
هر شب
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران

۴۱ متر برابر با
۷۴۹۰ کیلوهرتز
تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای پنجشنبه
نیم ساعت به
زبان کردی

درس دیگری به جمهوری اسلامی بدهیم!

علیه حکم بازداشت جلال حسینی، از نمایندگان کارگران خباز سقز



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.
منصور حکمت

تبدیل شده است. ابزاری بوده در دست کارگران در دفاع از حقوق و مطالباتشان، محلی بوده برای حفظ اتحاد و تشکل و همبستگی کارگری و وسیله‌ای در دفاع از فعالین و رهبران کارگری پیشرو و آگاه خود بوده است. در جریان کمپین برای آزادی محمود صالحی از رهبران این سندیکا، در سطح ایران و جهان فعالیت و مبارزات سندیکای کارگران خباز مورد توجه قرار گرفت و موقعیت

صفحه ۲

توطئه‌های خانه کارگر و اداره اطلاعات رژیم علیه سندیکای کارگران خباز سقز، حکم بازداشت جلال حسینی از نمایندگان کارگران خباز صادر شد.

این اقدام جمهوری اسلامی در ادامه چندین ماه توطئه‌گری علیه سندیکای کارگران خباز سقز اتفاق افتاده است. در چند سال گذشته سندیکای کارگران خباز به سمبل مبارزه کارگران علیه کارفرمایان و دولت سرمایه داران و نهادهای ضد کارگری رژیم اسلامی



رحمان حسین زاده

کارگران، مردم آزادخواه!

روز یکشنبه ۸ دی ماه ۱۳۸۱
(۲۹ دسامبر ۲۰۰۲) در ادامه

دیروز محمود صالحی، امروز جلال حسینی، فردا؟؟؟

کسانی که دلسوزان طبقه کارگران و کمپین محمود صالحی را پیش بردند به خوبی سندیکای کارگران خباز سقز را می شناسند چون مدافعین راستین مبارزاتشان بودند و صدای حق طلبانشان را به گوش جهانیان رساندند.

رفقا، کارگران مبارز!

جلال حسینی یکی از فعالین سندیکای خبازان سقز و یکی از چهره‌های محبوب کارگران کردستان مورد تهدید قرار گرفته و در آستانه زندانی شدن است. از همان روزهای تشکیل سندیکای کارگران خباز،

جلال حسینی در راه‌اندازی آن فعالانه کوشش نمود و در آن نیز نقش برجسته داشت. مدت زیادی از تشکیل سندیکا نگذشته بود که کارفرمایش زیر فشار اداره اطلاعات و اداره کار و اتحادیه کارفرمایان، جلال را از کار اخراج کرد و مورد تهدیدش قرار دادند تا جایی که مجبور شد برای امرار معاش به شهرهای دیگر برود. بعد از یک سال به سقز برگشت و تا مدتی به کارهای دیگر غیر از خبازی مشغول شد، تا اینکه به اصرار کارگران به سندیکا برگشت و با رای بالائی به عضویت هیئت مدیره آن درآمد. در تشکیل شرکت تعاونی

کارگران زحمات زیادی کشید و نقش برجستهای داشت و در اولین مجمع عمومی آن شرکت و به عضویت هیئت مدیره آن انتخاب شد و در آخر به عنوان فروشنده فروشگاه شروع به کار کرد. سه‌ماه پیش بود که با ۹۵٪ آرا به عنوان دبیر شرکت تعاونی خبازان و دخانیات انتخاب شد.

جلال حسینی در حمله نیروهای اطلاعات به اعضای سندیکا در بهمن ۷۷ دستگیر و روانه سیاهچالهای اداره اطلاعات شد و بیش از دو ماه در زیر شکنجه و آزار روحی و جسمی مقاومت نمود

صفحه ۲

منشور آزادیهای سیاسی، در برابر عقب نشینیهای رژیم اسلامی

آقای قاسم شعله سعدی که تا دیروز به گفته رحیمی استاندار اسبق کردستان، دست خامنای را میبوسید، اکنون کسی است که ادعای عبور از خاتمی را هم میکند و چشم طمع به برخی کرسیهای وزارت و وکالت در دوران بعد از جمهوری اسلامی دوخته است. حزب دمکرات که در انتخابات مجلس ششم اسلامی، مردم کردستان را تشویق میکرد که "دلسوز" های ملت کرد، کسانی از قماش

ادب و جلالی زاده و یا بهرام ولدبیگی، را به مجلس بفرستند و در انتخابات شوراهای اسلامی نیز مدافع شرکت مردم در آنها بود، اکنون چیز دیگری میگوید: تحریم انتخابات شوراهای اسلامی! عبدالله حسن زاده در مصاحبه با روزنامه حزب خودش، حزب دمکرات، گفته است که امیدوی به اصلاحات رژیم اسلامی برایش باقی نمانده است. بوی الرحمان

صفحه ۲

ایرج فرزاد

جمهوری اسلامی دارد بسوی فروپاشی میرود. این را نه فقط وضعیت حاکمان اسلامی، بلکه تغییراتی که در لحن و زبان برخی از مهره‌های رژیم بوجود آمده است و نیز در قطع امید برخی از نیروهای اپوزیسیون از پروژه "اصلاحات" دو خرداد نیز میتوان به عینی مشاهده کرد.

شوراهای
اسلامی،
مواضع دیروز
و امروز
حزب دمکرات

صفحه ۳

◀ درس دیگری به جمهوری اسلامی بدهیم!

آن مستحکم شد. مجموعه این فاکتورها باعث شده که رژیم اسلامی، نهادها و مقامات ضدکارگری آن این سندیکا را خاری در چشم خود ببینند. به این دلایل هر از چندگاه توطئه‌های مختلفی را علیه آن تدارک ببینند. در یکسال گذشته علاوه بر فشار و تهدید، با تطمیع و وعده وعید و به خدمت گرفتن عوامل خود، خواستارند، این تشکل را منحل کنند و به جایش شعبه نهاد ضد کارگری خانه کارگر را دایر کنند. این شگردها هر چند مشکلاتی ایجاد کرده و فشاری را بر کارگران خباز تحمیل کرده، اما با هوشیاری تاکنونی آنها خنثی شده است. حکم بازداشت جلال حسینی از نمایندگان منتخب و محبوب کارگران خباز در ادامه این توطئه‌ها صادر شده است. برای حکم بازداشت وی هم نتوانست‌اند "مدرک و سندی" ارائه کنند. پاپوش دوزی و ادعاهای واهی یکی از عوامل خودشان تحت نام "شکایت" گویا تمام ادعاهای پوچ و بی‌اساس آنها است.

علیه حکم بازداشت جلال حسینی باید ایستاد و خواستار لغو آن شد.

نهادهای کارگری و مدافع حقوق انسان در دنیا متکی باشد.

سندیکای کارگران خباز مثل گذشته می‌تواند مطمئن باشد که حزب کمونیست کارگری را در کنار خود خواهد داشت.

کارگران، مردم آزادیخواه ایران، اتحادیه‌ها و جریانات مدافع حقوق انسان در جهان!

خواستار لغو حکم بازداشت جلال حسینی از نمایندگان کارگران خباز شوید. جرم وی تنها به عهده داشتن نمایندگی کارگران و دفاع از حقوق کارگران است. دفاع از جلال حسینی علاوه بر خنثی کردن تهدیدات رژیم جمهوری اسلامی علیه یک انسان، همزمان دفاع از حقوق کارگران خباز و سندیکای آنها است. از جانب حزب کمونیست کارگری شما را به فعالیت و اقدامات موثر در این زمینه فرامی‌خوانم. حزب کمونیست کارگری از هیچ تلاشی در این رابطه دریغ نخواهد کرد.

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ دی ماه ۱۳۸۱
(دوم ژانویه ۲۰۰۲)

◀ دیروز محمود صالحی، امروز...

تا او را وادار به اعتراف علیه خود نمایند، اما نتوانستند او را وادار کنند که به "گناهکار" بودن خود اقرار کند. من یکی از شاهدانی هستم که در دو سلول متفاوت و در جوار هم زندانی بودیم و در دو مرحله شبانه با هم برای بازجویی به زیر هشت برده‌شدیم، صدای کابل و شلاقهایی که به او می‌زدند را من به وضوح می‌شنیدم و همین حالا هم صدایش را در گوشم حس می‌کنم. فشار زیادی آوردند تا به زندان محکومش کنند ولی نتوانستند. از آن زمان تاکنون به عناوین مختلف مورد تهدید بوده است، تا اینکه خانه کارگر و عوامش که هرروزه به سازی می‌رقصند و برای منحل کردن سندیکا، دست به دامن اداره اطلاعات و بسیج و اداره کار شدند. در صدد پاپوش دوزی برای فعالین سندیکای کارگران خباز و از جمله جلال حسینی به اقدامات ذی‌انتهای دست برداند.

جلال حسینی یکی از مخالفان طرح خانه کارگر و خواهان برجا ماندن سندیکا است. از همین رو عوامل خانه کارگر درصددند او را به زندان بیاورند تا دستشان برای هدر دادن زحمات کارگران خباز بازتر باشد و حاضرند برای یک لیخند خانه کارگر و مسئولان شهر تمام منافع و حقوق کارگران را پایمال کنند و برای رسیدن به این کار از هیچ اقدامی روی‌گردان نیستند. و در همین راستا اخیراً فردی به اسم فتاح حسن‌پور که مدت زیادی اسلحه سپاه را به دوش داشته و در اذیت و آزار مردم دریغ نکرده است، از جلال شکایت نموده که گویا

۹ دیماه ۱۳۸۱

محمد محمدی از اعضای سندیکای کارگران خباز سقز و از فعالین جنبش کارگری در کردستان است. وی در جریان پیشبرد کمپین برای آزادی محمود صالحی نقش برجسته‌ای در ایران و در شهر سقز ایفا کرد. محمدی محمدی به دلایل امنیتی در حال حاضر شهر سقز را ترک کرده است.

دولت و آموزش و پرورش و از دخالت در حیات سیاسی و اجتماعی و خصوصی مردم باید به کلی و یکباره کوتاه شود. می‌خواهند بار دیگر تقلا کنند تا رژیم یک مشت آخوند، رژیم اسلام سیاسی را با عقب نشینیهای جزئی بنام اصلاح و به کشورهای اروپایی بفروشد. این معامله هنوز انجام نشده شکست خورده است و مردم ایران با بلند کردن منشور آزادیهای سیاسی، حکم به ابطال این بند و بستها خواهند داد. مردم باید منشور آزادیهای سیاسی را در مقابل هر نیروی که مدعی مبارزه برای آزاد کردن مردم ایران از سلطه اسلام سیاسی و رژیم جنایتکاران اسلامی است، قرار دهند. ژانویه ۲۰۰۳

◀ منشور آزادیهای سیاسی، در برابر عقب نشینیهای رژیم اسلامی

بهره سکوت و رضا کشاند. این مردم زنده و پر از شوق زندگی، اکثریت جمعیت رودری رژیم فسیلهای ۱۴۰۰ سال پیش را تشکیل میدهند. حزب کمونیست کارگری، حزب سنت برنامه و سیاست علنی، با انتشار منشور آزادیهای سیاسی مردم، موازین و پرنسیپهای یک مبارزه صادقانه، متملنه و مبتنی بر رعایت حقوق پایهای مردم ایران علیه جمهوری اسلامی را اعلام کرده است. و در قطعنامه خود، قطعنامه درباره تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران، کم مشقت ترین راه خلاصی از جمهوری اسلامی را دست نشان ساخته است. اگر قرار است در باره زندانی سیاسی تحقیق و بررسی شود، کلیه زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط و فوراً آزاد شوند. اگر رژیم اسلامی زیر فشار افکار عمومی و تلاشهای بی وقفه کادرهای کمونیسم کارگری ناچار میشود حکم وحشیانه سنگسار اسلامی را فعلاً معلق اعلام کند، منشور آزادیهای سیاسی مردم حکم داده است که همه اشکال مجازات اعدام باید بدون اما و اگر ملغا شوند. اگر ممنوعیت فعالیت احزاب و

اوضاع ایمان اسلامی دارد که نابرابری در ارث بین زن و مرد، عین برابری است! برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد را باید به مغزهای اسلام گرفته اینها فرو کرد! به نمایندگان اروپای واحد اجازه میدهند تا با تعداد معدودی زندانی های عمدتاً خودی رژیم ملاقات کنند، تا نسل کشیهای بیست و چند ساله و خاورانها و زندانها و شکنجه گاههای همیشگی رژیم را در چرتکه انداختنهای شرکتیهای اروپایی برای معامله با بزرگترین جانیان اسلامی از کارنامه آنها پاک کنند. و تا دو جناح رژیم در نان به قرص دانهای خود دم از رسیدن به "وفاق ملی" بزنند. اما با مردم ایران، با این سطح توقع و با این درجه از شناخت رژیم اسلام سیاسی نمیتوان چنین رفتار کرد. هر درجه از عقب نشینی رژیم باید متضمن تعرض و پیشروی مردم باشد. دوران قالب کردن پرسوناژهای ارتجاعی بعنوان مظهر مبارزه و خواست مردم، به تاریخ پیوسته است. مردم متوقع دنیای اینترنت و جوان عاصی دنیای دهکده جهانی را نمیتوان با متقال اصلاحات حکام معمم و مکلائی اسلام سیاسی

رفتن جمهوری اسلامی همه جا بلند است. اما اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران بهیچوجه به اوضاع سالهای ۵۶ و ۵۷ شبیه نیست، با اوضاع ده سال قبل هم شبیه نیست، با چند هفته قبل هم تفاوت دارد. هم مردم و ترکیب سنی جمعیت ایران متحول شده‌اند و هم گرایشات اجتماعی و احزاب، اهداف و سیاستهای متمایز خود را در برابر مردم نشان داده‌اند. جمهوری اسلامی دارد در مقابل عقب می‌نشیند، حکم سنگسار را فعلاً ملغی میکند، به نمایندگان اروپای واحد اجازه بازدید از زندانها میدهد و در ۱۲ مدرسه دخترانه، دانش آموزان اجازه یافتند که در داخل مدرسه بدون مقنعه و حجاب اسلامی ظاهر شوند و ... اما این کماکان رژیم اسلامی است، می‌خواهند بگویند لغو مجازات سنگسار نه در نتیجه مبارزه پیگیر کمونیستهای کارگری و ایستادگی زنان و مردان و دختران آزادیخواه، که ثمره مجاهدتهای حقوق بشر اسلامی! مکرمه محبیه جمیله کدیور و یادگار "پدر طالقانی"، اعظم طالقانی است که حتی در این

فراخوان به همه احزاب اپوزیسیون

جمهوری اسلامی در آستانه سرنگونی است. تضمین حق مردم در تعیین حکومت آینده ایران مستلزم برسمیت شناسی و تعهد به پایه‌های ترین آزادی‌های سیاسی است. به این منظور حزب کمونیست کارگری ایران منشور آزادی‌های سیاسی و تعهد خود را به تحقق آن اعلام میکند و همه احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون را به تعهد به این منشور فرامیخواند.

منشور آزادیهای سیاسی

به منظور تامین شرایطی که فعالیت آزاد و امن سیاسی در جامعه ممکن شود و مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه حکومت مطلوب خود را تعیین کنند جمهوری اسلامی باید سرنگون شده و مفاد این منشور متحقق گردد:

- ۱- جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهب.
- ۲- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.
- ۳- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.
- ۴- برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.
- ۵- آزادی کلیه زندانیان سیاسی.
- ۶- لغو مجازات اعدام.
- ۷- دسترسی همگانی بویژه احزاب و تشکلهای به رسانه های جمعی دولتی.

قطعنامه درباره

تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران

۱- جمهوری اسلامی در حال سقوط است و مساله تعیین نظام حکومتی بعدی در برابر جامعه قرار گرفته است.

۲- آلترناتیو حزب کمونیست کارگری ایران جمهوری سوسیالیستی است. جمهوری سوسیالیستی تضمین کننده دخالت آزاد، آگاه و مستقیم مردم در حکومت و تامین کننده وسیعترین آزادیها و رفاه و برابری در جامعه خواهد بود.

۳- حزب کمونیست کارگری ایران، همانطور که در قطعنامه‌های کنگره سوم اعلام کرده است، انقلاب توده‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی را عملی‌ترین و کوتاه‌ترین راه رسیدن مردم به حکومت منتخبشان میداند.

۴- اپوزیسیون راست، برای جایگزینی جمهوری اسلامی شیوه‌هایی نظیر فراندنم و مجلس موسسان را تبلیغ میکنند. در این شیوه‌ها، دخالت و اعمال اراده مردم محدود و یا کلاً نفی میشود. هدف این نیروها آنست که از دخالت آزاد و آگاه مردم در تعیین حکومت آتی جلوگیری کنند و به آلترناتیوهای حکومتی خود ظاهر و پوشش دمکراتیک بدهند. راه واقعی بقدرت رسیدن این نیروها کودتا و یا بندوبست از بالاست. در چنین شرایطی نه تنها آزادیهای سیاسی و دخالت مردم در تعیین حکومت نفی میشود بلکه این احتمال وجود دارد که شیرازه جامعه از هم گسیخته شود.

با توجه به نکات فوق حزب کمونیست کارگری ایران به منظور تامین شرایط لازم برای دخالت مردم در تعیین نظام آتی اقدامات زیر را در دستور قرار میدهد:

الف- اعلام منشور آزادیهای سیاسی که تامین آن به مردم امکان میدهد آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند. مفاد این بیانیه خواست و انتظار بدیهی توده‌های مردم است، و تعهد هر حزب و دولتی به آن معیار پایبندی به خواست و اراده مردم محسوب میشود. حزب کمونیست کارگری تلاش میکند تا کلیه نیروهای سیاسی را به تعهد به مفاد این بیانیه جلب کند.

ب- اعلام نشست نمایندگان شوراهای مردم بعنوان ذیصلاح‌ترین مرجع برای تعیین نظام حکومتی آتی. شوراها توده‌های ترین شیوه متشکل ماندن مردم و اعمال اراده آنان است. شوراها همچنین دمکراتیک‌ترین ظرف تشکیلاتی برای فعالیت همه احزاب و نیروهای سیاسی است. هیچ قید و شرطی برای فعالیت احزاب و آحاد مردم در شوراها و انتخاب شدن بعنوان نماینده وجود ندارد.

شوراهای اسلامی، مواضع دیروز و امروز حزب دمکرات

سیاستهای ضد خلقی اش کردند" مردم سالها است که به میدان آمده اند تا این دم و دستگاه کشتار را بر اندازند. سالها است و بارها است که ما خاک به چشم مردم پاشیدن حزب دمکرات و امثالهم را افشا میکنیم. بارها این حزب دعوت کرد تا پای صندوقهای همین رژیم ضد "خلق" را گرم نگذارند. هنوز مدت زیادی از لغت و لیس این حزب با پاسداران دم مرز نگذشته است. لابد آن روز ها امکان گرابی حکم میکرد، که بلند گوی این جناح و آن جناح باشند، تا فرصت زد و بندی بیابند و دل به "شایعه" مذاکره با مقامات وزارت اطلاعات ببندند. انگار صحنه سیاست ایران خالی است وهمه منتظرند حزب دمکرات به میل

اسلامی ایران زیر ضرب مبارزات مردم ایران به تلاطم افتاده است. غرب و آمریکا هم به ماندن حکومت اسلامی امید ندارند. راستترین جریانات اپوزیسیون و حتی خود دست اندرکاران حکومت اسلامی دارند این واقعیت را بیان میکنند. همه به ایران بعد جمهوری اسلامی میاندیشند. حزب دمکرات در این راستا به سفسطه پردازی و یافتن فرمولی برای توجیه مقاصد خود می‌گردد. می‌خواهد در کنفرانس های آتی بن و لندن از قافله عقب نماند. بیانیه حزب دمکرات ادامه میدهد: "... زمان آن رسیده مردم توهم را از سر بیرون کنند و صندوقهای انتخابات را به شماری از حلقه بگوشان رژیم واگذارند و با خودداری از شرکت در انتخابات مانع دادن مشروعیت کاذب به این رژیم و

ثابت نام کاندیداتوری مهلت تعیین کرده است. دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، در این مورد بیانیه ای به تاریخ هشتم دیماه تحت عنوان (موضع ما در باره دومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا) صادر کرده است. این بیانیه ضمن تحریم خجولانه این دوره از "انتخابات" شوراهای اسلامی، با بیانی عوام فریبانه به توجیه "مجاهدات های" خود در دور اول این نمایش در سال ۱۳۷۷ می پردازد. این مساله بهانه ای شده تا حزب دمکرات خود را برای دوران بعد از جمهوری اسلامی در راستای تحركات دول غربی و احزاب دست راستی همساز نشان دهد. بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات مقدمتا مینویسد: "... حزب دمکرات کردستان بر این



عبدالله شریفی

رژیم جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است که قصد دارد، دوره دوم مضحکه انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سراسر کشور را در آینده نزدیک برگزار کند. در این رابطه از نهم دیماه ۱۳۸۱ بمدت یک هفته جهت

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

فشرده یک اطلاعیه و یک خبر از دبیرخانه و کمیته کردستان حزب

کمیته کردستان حزب با صدور اطلاعیه‌ای به تاریخ هفتم دی ماه ۱۳۸۱ تحت عنوان: **جمهوری اسلامی مسیب این تراژدی انسانی است**، خبر از وقوع یک تراژدی انسانی دیگر داد. طبق این خبر روز چهارشنبه چهارم دی ماه کاروان ۷۰ نفره‌ای از مردمی که به حمل و نقل کالا در بازارهای مرزی بین حاجی عمران - پیرانشهر مشغولند، در جریان بازگشت به پیرانشهر با بارش برف سنگین روبرو میشوند. کولاک برف باعث میشود که کاروانچیان راه را گم کنند و تعداد زیادی میتوانند خود را نجات دهند، اما ۳۹ نفر ناپدید میشوند. مردم دو طرف منطقه مرزی

روزهای پنجم و ششم دی ماه به دنبال ناپدیدشدگان گشته و تا زمان صدور اطلاعیه کمیته کردستان توانسته‌اند جنازه ۹ نفر را پیدا کنند. طبق نظر شاهدان عینی متأسفانه و به احتمال قوی ۳۰ نفر بقیه نیز جان خود را از دست داده‌اند. ظاهر قضیه اینست که این واقعه دردناک در نتیجه سانحه طبیعی اتفاق افتاده است. اما اینها مردمی هستند، که به دلیل فقر و فلاکت و بیکاری و بی‌تامینی به کار سخت و پر مخاطره حمل و نقل کالا در مناطق مرزی روی آورده‌اند. مضافاً جمهوری اسلامی شغل این بخش مردم را "غیرقانونی" اعلام کرده است، به همین دلیل کاروانچیان هم اجباراً بیراهه‌ها و مناطق صعب‌العبور را برای تردد

خود انتخاب میکنند. در طول حاکمیت جمهوری اسلامی موارد بیشمار از قتل و کشتار گروهی و فردی کاروانچیان به دست جمهوری اسلامی اتفاق افتاده و موجب اعتراضات توده‌ای و گسترده علیه جنایتکاران اسلامی بوده است. حدود ۱۰ روز قبل کشته شدن فرد زحمتکشی به اسم ابراهیم، موجب سه روز اعتراض و مبارزه مردم شهر پیرانشهر علیه جانپان اسلامی شد.

هادی محمدی با وثیقه ۲۰ میلیون تومان آزاد شد

بنا به خبر دبیرخانه کمیته کردستان حزب، که تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۳ را دارد، هادی

محمدی که در چند ماه اخیر در زندان بود و خانواده اش از او خبری نداشتند، بعداً مطلع شدند که در زندان سنجید می‌باشد. در این رابطه قبلاً کمیته کردستان طی اطلاعیه ای خبری عموم را مطلع کرد. اکنون طبق خبر رسیده به کمیته کردستان هادی محمدی با وثیقه ۲۰ میلیون تومان آزاد شده است. ما ضمن محکوم کردن دستگیری او از همه مردم و آزادیخواهان می‌خواهیم که برای آزادی بیان و آزادی همه زندانیان سیاسی تلاش نمایند و جمهوری اسلامی را به دلیل نقض آزادی بیان محکوم کنند.

یک دنیای

بہتر،
برنامه حزب
گمونیست
کارگری
را بخوانید!

از سایت
روزنه
دیدن
کنید!

www.rowzane.com

حزب کمونیست کارگری از واقعیات انکار ناپذیر سیاست امروز ایران هستند. این فاکتورها امکان تاخت و تاز و زد و بند را از احزاب و جریان‌ها راست بشدت تضعیف میکند. سطح توقع و انتظارات مردم کردستان بالا رفته است، این مردم هم با معیارهای دنیای کنونی احزاب سیاسی را محک می‌زنند. حزب دمکرات بهتر است بجای این همه کش و قوس رفتن‌ها، کردن به تمایلات مردم بگذارد و متمدانه منشور آزادیهای سیاسی مردم در تعیین نظام آینده را که از جانب حزب کمونیست کارگری ایران ارئه شده است، بپذیرد. این به نفع آینده حزب دمکرات هم خواهد بود.

۱۰ دیماه ۱۳۸۱

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

۶۷، در گرما گرم توپ باران و کشتار مردم زحمتکش کردستان به هر گونه بند وبست و مذاکره پنهانی روی آورد، رهبرش را در این راه فدا کردند. آن مواقع چرا از اعمال اراده مردم خبری نبود؟ با این شگردها و پولتیک زده‌ها شاید بشود خود را فریب دهند، و یا بتوانند اعتراضات درونی و صوف خود را موقتا ساکت کنند و امید تازه به سرخوردگی گذشته خود بدهند، اما این توضیح به کت کارگر هوشیار و جوان معترض و مردم با تجربه کردستان نمیرود. اگر اعتراضات مردم ایران نبود، اگر حضور نسلی از جامعه برای سرنگونی رژیم اسلامی این چنین قدرتمند نبود، آن موقع هم دوستان اتحادیه اروپا احتیاج به مذاکرات حول حقوق بشر نداشتند و هم حزب دمکرات لازم نبود این همه ناشیانه بر غلظت سرنگونی طلبی خود اصرار کند.

اما امثال حزب دمکرات دارند در رویا بسر می‌برند، ایران افغانستان نیست و حتی عراق هم نیست، در ایران مردم صحنه سیاست را اشغال کرده اند، راست و چپ دارد در این صحنه جا بجایی بوجود می‌آورد، حضور و نفوذ کمونیسم، حضور

خواست تا در انتخابات شوراها شرکت جویند، و اشخاص مورد اعتماد مردم را نیز ترغیب نمود تا کاندیداتوری خود را اعلام و پذیرای مسولیت شوند، تا بخشی از امور مستقیماً در دست نمایندگان مردم قرار گیرد، با خوشحالی و افتخار باید گفت که مردم کردستان به گرمی از فرا خوان حزب استقبال نمودند و فعالانه در انتخابات شرکت کردند... به ویژه در کردستان که عیلمغ اینک افراد مختلف به عضویت شوراها در آمده بودند، لیکن رویهمرفته مردم توانستند بخشی از اراده خود را بر حاکمیت تحمیل کنند... شوراهای (اسلامی) در کردستان در انجام هر آنچه از دستشان بر می آمد دریغ نکردند...

حزب دمکرات اگر اتفاقی به قانون اساسی رژیم اسلامی، که سر تا پایش ضد انسانی است، "بد" گفته باشد، در جستجوی محمل قانونی اسلامی برای چانه زدن بر سر موقعیت خود بوده است. دفاعیات از "امام" خمینی گرفته تا حمایت از دولت موقت بازگان، از پادویی بنی صدر تا مذاکرات بدور از چشم مردم، اسنادی غیر قابل انکار در تاریخ این حزب هستند. در اوج کشتارهای خرداد ۶۰ و شهریور

شوراهای اسلامی، مواضع...

دیروز را روتوش کرد و در قالب یک سرنگونی طلب که این بار نمیخواهد "درگوش گاو بخوابد"، ظاهر شد. هواداری حزب دمکرات از "سیستم شورایی" هم از این وضعیت نشأت میگیرد. و اگر جایی این حزب لازم باشد از شورا و این قبیل الفاظ چاشنی مقاله ای کند، آنگاه منظور حزب دمکرات انجمنهای دست نشانده حزبی است که از انجمن ریش سفیدان، "معمدین" محل، کدخدا بازیهایی دوران شاه به ارث برده است.

حزب دمکرات که در دوره های قبل با حرارت از نوع "دوم" اسلام حمایت میکرد، از خودشان بشنود که فعالیت کردایی منطبق با اسلام "دمکراتیک" را چگونه توجیه میکنند و چگونه آن روزهای "پرافتخار" خود را توضیح میدهند:

"...سال ۱۳۷۷ زمانیکه انحصارگران حاکم بر کشورمان بعد از قریب بیست سال سرانجام تحت فشار افکار عمومی ناگزیر از تن دادن به انتخابات شوراهای شهر و روستا شدند تا یکی از مهمترین اصلهای قانون اساسی مدون و مورد پسند خود جامه عمل بپوشانند... حزب دمکرات نیز با الهام گرفتن از خواست و اراده مردم و نیز به سبب آنکه میدانست فرصتی هر چند ناچیز جهت به نمایش گذاشتن اراده مردم بوجود آمده بود از مردم کردستان

خود صحنه سازی کند. هر گاه مصلحت ایجاب کند، شرکت در مضحکه اسلامی را "مردمی" و "دمکراتیک" بنامد، و هر گاه مصلحت به جایی دیگر ربط پیدا کرد مشروعیت دادن به رژیم، ضد خلقی میشود. اکنون که رژیم اسلامی جایی برای امید نیست باز از روی همان فرصت طلبی که وجه ثابت در سیاست بازی حزب دمکرات است، قیافه سرنگونی طلب به خود میگیرد تا در فرصتهای آینده بعد از جمهوری اسلامی در لویی جرگه رویایی کرسی بگیرد. لابد آقای حسن زاده دبیر کل حزب دمکرات در سفر اخیر خود به اروپا و آمریکا حالی شده که باید سرنگون طلب باشد، و به محافل مورد اعتماد حزب دمکرات که دیگر امید به اسلام سیاسی را از دست داده‌اند، آویزان شود تا بعنوان "دستاورد" این دید و بازدیدها و سفر جناب ماموستا بخورد هواداران خود و جریان کرداییتی بدهد. همان فرصت طلبی که دوم خرداد را حرکتی مترقی رفرم خواهان مینامید، دارد متوجه میشود که باید در زمین جدید بازی کند، برای این هدف باید پرونده‌های سابق و مواضع تا

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است